

مصاحبه روزنامه آلمانی "یونگه ولت" با فریبرز رئیس دانا (تاریخ انتشار: ۲۰۰۵، ۰۶)

سؤال ۱: شما عضو "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" در سال ۲۰۰۵ هستید. دقیقاً در آن زمان چه اتفاقی افتاد؟

در مراسم اول ماه مه که در کردستان ایران و در سقز برگزار شده بود، هفت فعال کارگری دستگیر شدند. در آخر ماه نوامبر نیز خیردار شدیم که پنج تن از آنها توسط دادگاه سقز به زندان‌های طولانی مدت از دو تا پنج سال محکوم شده‌اند. این فعالین در آن زمان از طرف اتحادیه نانوایان به مراسم اول ماه مه دعوت شده بودند، اما به جای اینکه بتوانند در مراسم مسالمت آمیز گرامی داشت روز کارگر شرکت کنند، قبل از رسیدن به مراسم، توسط مأمورین امنیتی بازداشت شدند. رژیم ایران در برابر شکل‌گیری جنبش‌های کارگری و اجتماعی، واکنش نشان داده و آنها را سرکوب می‌کند.

سؤال ۲: کمیته شما چگونه در برابر فشار و سرکوب واکنش نشان می‌دهد؟

ما از فعالین کارگری بنابر حقوق انسانی و سیاسی آنها دفاع می‌کنیم و طبعاً از دلایل حقوقی نیز استفاده می‌کنیم. حتی بر اساس قوانین حقوقی در ایران نیز آنها جرمی مرتکب نشده‌اند. هرگز به آنها اعلام نشده است که حق شرکت در مراسم اول ماه مه را ندارند. ما نیز که شصت و هفت نفر از حامیان و دوستان آنها هستیم، بنابر خواست خانواده‌های این فعالین گرد هم آمده‌ایم و اعلامیه مشترکی را مبنی بر محکومیت احکام صادر شده از سوی دادگاه تدوین کرده‌ایم.

سؤال ۳: تا چه حد از این فعالین، که در اول ماه مه ۲۰۰۴ در بند بوده‌اند، حمایت شده است؟

تا کنون حدود ۷۰ سازمان و بیش از ۶۰۰۰ نفر دادخواست ما را امضاء کرده‌اند. "سندیکای شرکت واحد" تهران هم حمایت خودش را اعلام داشته است. شاید بدانید که در اواخر ژانویه همه هیأت مدیره این سندیکا و صدها اعتصاب‌کننده دیگر، به دلیل درخواست حقوق بیشتر، بازداشت شدند. حقوق آنها ۳۰ تا ۴۰ درصد زیر خط فقر است. البته آنها خواهان به رسمیت شناخته شدن سندیکای خود نیز هستند. در ایران ما مدام شاهد اعتصابات پیاپی کارگران هستیم و این مسئله شاید در خارج از ایران ناشناخته باشد. کسانی که در این اعتصابات شرکت می‌کنند با مشکلات زیادی روبرو هستند. آنها باید همواره به این فکر نیز باشند که نه تنها امکان دارد زندانی شوند، بلکه امکان صدمات جسمی نیز هست. با این که بیش از نه میلیون کارگر مزدگیر و چهارونیم میلیون بیکار در ایران زندگی می‌کنند، هیچ حقی برای ایجاد تشکل مستقل و غیردولتی برای آنها وجود ندارد. به غیر از ده پانزده سال آزادی نسبی، صد سال است که کارگران ما در سرکوب و خفقان کار می‌کنند. به جریمه‌های نقدی سنگین محکوم می‌شوند، در زندان حبس می‌شوند و یا شکنجه و اعدام می‌شوند. فقط به این دلیل که به فعالیت اتحادیه‌ای می‌پردازند. شرایط فعلی نیز به نظر من از سخت‌ترین شرایط است. ترس، کمبود تجربه و آگاهی طبقاتی و همین‌طور سال‌ها تبلیغات از سوی رهبران مذهبی و تکنوکرات‌های نئولیبرال باعث بی نتیجه ماندن این جنبش‌ها می‌شود.

سؤال ۴: تا چه اندازه‌ای شرایط بعد از ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تغییر کرده است؟

تا آن جایی که به عدالت اجتماعی، حمایت عمومی و حقوق کارگری مربوط می‌شود، من هیچ تفاوتی میان رژیم‌ها و رئیس‌جمهورهای مختلف در ایران نمی‌بینم. به این دلیل که همه آنها استراتژی‌های اقتصادی مشابهی را دنبال کرده‌اند. احمدی نژاد نیز نماینده بورژوازی بوروکراتیک و نظامی است. او به توده وسیع مردم توجهی ندارد، بلکه به فکر منافع اقلیتی است که به آن تعلق دارد.